

توحید در جهان بینی اسلامی

جزء ۷

ذَالِكُمْ اَللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَلِقُ كُلَّ شَيْءٍ فَاَعْبُدُوْهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيْلٌ

أنعام ۱۰۳

● فرهاد نقدی



ذَالِكُمْ اللهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
 الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
 فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ
 ﴿١٠٤﴾ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ اتَّبِعْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 أَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾ وَلَوْ شَاءَ اللهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ
 عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ
 يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا
 لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ
 لَيُؤْمِنَنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا
 جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنَقَلِبْ أَفْعَادَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ
 يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾



حفظ كنيم



قرآنت تحقّق



﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ﴾ خدا [یی با این عظمت که نشانه‌های عظمتش در آیات پیشین بیان شده،] پروردگار شماست [و با این عظمت، دیگر جایی برای دل بستن به دیگران و شریک‌گرفتن در عبادت باقی نمی‌گذارد. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ غیر از خدای متعال، هیچ‌کس دیگری این شأنیت را ندارد که حیران و خاضع در برابر او شوید. ﴿خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ﴾ اوست که همه چیز را آفریده [و بقیه مخلوق او هستند،] پس باید او را پرستید. [لذا هیچ انسانی نمی‌تواند خودش را در مخلوق بودن، بالاتر از دیگر انسان‌ها بداند تا به واسطه آن برتری، پرستیده شود. ﴿وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ و او عهده‌دار همه چیز است. [همه می‌توانند بدون ترس از وجود معارض یا شریک، با خیال راحت به او تکیه کنند.]



﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾^۱
 در مورد این آیه در «تفسیر المیزان» بیان شده که جمله ﴿خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾^۲ دلیل برای جمله ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ است و همین جمله ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ دلیل است برای ﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ﴾. توضیح مطلب اینکه:

خداوند خالق همه هستی است و جز او خالق نداریم و وقتی خالق جز او نباشد، پس در نتیجه معبود و الهی جز او نیز نخواهد بود. حال که معلوم شد معبودی جز خداوند نیست، پس در نتیجه پروردگاری جز او قابل تصور نیست. بعد از بیان این سه جمله که به هم پیوسته‌اند و هر یک، دلیل جمله قبل از خود است، فرعی را بر این‌ها بار می‌فرماید که ﴿فَأَعْبُدُوهُ﴾؛ یعنی وقتی مشخص شود که خالق جز او نیست و معبودی جز او نیست و پروردگاری جز او نیست، چاره‌ای نمی‌ماند جز اختصاص عبادت برای او.^۲

هم‌چنان‌که ایمان به هر اصل از افکار و اصول دینی، باید آگاهانه و همراه با تعهد باشد، ایمان به توحید نیز این‌گونه است؛ یعنی هم باید آگاهانه باشد و هم تعهدآور. توحید یعنی چه؟ توحید یعنی جهان دارای یک آفریننده و یک روح پاک است و فقط اوست که شایسته بندگی و اطاعت می‌باشد.

وقتی به جهان نگاه می‌کنیم، پی می‌بریم که این نظم و عظمتی که در آن وجود دارد، خودبه‌خود به وجود نیامده و تصادفی نیست. در سراسر وجود، یک قدرت به نام خدا وجود دارد. غیرخدا همگی در طرف مقابل هستند. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾^۳ این شعار اسلام و بلکه شعار همه ادیان الهی است. تمام تلاش مکاتب و ادیان این است که این شعار را در زمین و سرتاسر عالم پیاده کنند؛ یعنی هیچ موجودی شریک خدا نشود و مورد عبادت و پرستش قرار نگیرد و بشر از همه چیز آزاد باشد و فقط بند عبادت خدا را برگردنش بیفکند.

۲. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۰۳.

۱. انعام، آیه ۱۰۲.

۳. بقره، آیه ۲۵۵.

نظام متناسب برای انسان، نظامی است که اصل و همه چیز آن عبودیت خداست. چون آن کسی که انسان را آفریده و مربی او بوده، از غرایز، احساسات، نقص‌ها، نیازها و کمبودهای او آگاه است و از طرف دیگر نقاط قوت و ذخیره‌های نهانش را نیز می‌شناسد. بر این اساس یک انسان آن‌گاه می‌تواند رشد کند و ثمر دهد که در محیط اسلامی و الهی و توحیدی زیست کند. همه نظام‌های دیگر برای انسان، غلط و نامناسب است.

با این نوع بینش و نگاه به عالم، قلدرهای تاریخ و مالکان بزرگ و سلاطین عالم حق ندارند خود را تافته جدا بافته بدانند و بقیه را مثل برده، اسیر قدرت و ثروت و مطیع فرمان خود بخواهند؛ چون همه ممکنات، تنها از یک مبدا و به دست یک قدرت آفریده شده و همه بنده و برده او هستند.^۱

بشر آن روزی به سعادت می‌رسد که نظام توحیدی الهی را در پیرامون خود ببیند و در آن فضا زندگی کند. این شعار اسلام است و آیه‌الکرسی با این جمله آغاز می‌شود: **﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾**.

﴿اللَّهُ﴾ هیچ معبودی جز او نیست. **﴿النَّحْيُ﴾** زنده است. همه معبودهای دیگر مرده‌اند، اما آن معبودی که ما عبادتش می‌کنیم، زنده است و زنده خواهد بود و حیات محض دارد. **﴿الْقِيَوْمُ﴾** همه چیز قائم به اوست و او قائم به ذات خود است؛ درحالی‌که بقیه معبودها این ویژگی را ندارند. چرا باید مردم بندگان یکدیگر باشند؟ صفات آن سلاطینی که مردم را بنده و برده خود قرار می‌دهند را با صفات خداوند متعال مقایسه کنید تا بدانید که باید خدا را عبادت کرد و عبادت هرچیز غیر از خدا را باید کنار گذاشت.

ادامه آیه‌الکرسی ویژگی‌های دیگر این معبود هستی‌بخش را بیان می‌کند: **﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾**؛ یعنی غافل و بی‌توجه و در خواب نیست. سایر

۱. برگرفته از: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه هشتم، دسترس در:



موجودات می‌خواهند و غافل می‌شوند؛ پس لایق بندگی و پرستش نیستند. بنده آن باش که خواب و غفلتی ندارد.

شأن این معبود چیست؟ ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾؛ از آن اوست هرچه در آسمان و زمین است. در دعای افتتاح می‌خوانیم: «وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ»؛ در مُلک خدا هیچ‌کس حق ستیزه کردن ندارد. اگر خداوند کسی را در جایی قرار داد و گفت: ای بندگان من! سخن او را بشنوید و از او پیروی کنید، اگر خدا او را منصوب نکرده بود، این طاغوت است. طاغوت یعنی آن کسی که مقابل خداست و وسیله تعدی است.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾؛ شفاعت قیامت، مثل پارتی‌بازی در ادارات نیست؛ بلکه مثل توبه انسان، مثل دعاست. البته هرکسی نمی‌تواند این دعا را در حق دیگری انجام دهد. پس انبیا و اولیا شفاعت می‌کنند، اما این شفاعت جز به اذن خداوند متعال نیست. بندگان صالح و شایسته هم تا او اذن و اجازه ندهد، حق ندارند از کسی شفاعت کنند، و این قدرت قاهره این معبود را نشان می‌دهد.

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾. مخالفان توحید گمان نکنند که خدا هم مانند بقیه معارضین و دشمنان آنهاست که بشود سرشان کلاه گذاشت و توطئه چید؛ چون خدا از تمام نقشه‌های دشمنان آگاه است و به آنها احاطه دارد: ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ﴾؛ هیچ‌کس به دانش او احاطه ندارند و از نقشه‌های او آگاه نیستند: ﴿إِلَّا بِمَا شَاءَ﴾؛ مگر آنچه خود او بخواهد. هر اندازه که خودش از دانش خود در اختیار بشر قرار بدهد، بشر می‌فهمد و می‌داند.

نشان دیگر قدرت این خداوند متعال و ربّ عالمیان چیست؟ ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾؛ دست مقتدر او بر آسمان و زمین مسلط و قدرت او در همه جا گسترده است: ﴿وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا﴾؛ نگهداری آسمان و زمین، خداوند را خسته نمی‌کند. و اوست بلند و عظیم: ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾.

قرآن آنچه قرآن بیان می‌کند، دانستنش برای جامعه مفید است و ندانستن آن، مضر؛ نه اینکه خنثی باشد. با این نگاه متوجه می‌شویم که چرا آیه‌الکرسی این قدر از سوی ائمه بزرگوار علیهم‌السلام مورد تأکید است. در منابع روایی، برای این آیه، ویژگی‌ها و فضیلت‌های فراوانی گفته شده؛ از جمله در بعضی روایات، این آیه برترین آیه قرآن شمرده شده است. خواندن این آیه همیشه و در همه حال، به ویژه پس از نماز، بعد از وضو، قبل از خواب، هنگام خروج از خانه، هنگام مواجهه با خطر و سختی و... توصیه شده است؛ چون این آیه، پرچم توحید و آموزش‌دهنده راه توحید به انسان‌های معتقد به اسلام است.

آیه‌الکرسی به‌طور خلاصه، رسواگرِ خداوندگاران زمین است؛ رسواکننده مدعیان الوهیت. در واقع تحدّی می‌کند که هرکس این صفات را دارد، اعلام کند تا ما بنده او شویم! همه شما در زندگی غافل می‌شوید و خواب، شما را درمی‌رباید. زندگی‌تان محدود است و قیوم و حجّ نیستید. دستی بر کیهان و دستی بر زمین ندارید. کرسی شما و قدرت و توان شما آسمان و زمین را قبضه نکرده است؛ پس ادعای الوهیت نکنید که شما شایسته بندگی و عبودیت نیستید، و فقط خداست که این شایستگی را دارد.

